

(مقاله پژوهشی)

بررسی ظرفیت کتاب مدیریت خانواده و سبک زندگی دختران پایه دوازدهم از منظر مؤلفه‌های بهزیستی اجتماعی از دیدگاه کیز

جابر افتخاری^{۱*}، حجت افتخاری^۲، فهیمه مسلمی^۳، عبدالوهاب سماوی^۴

چکیده

امروزه یکی از محورهای مهم ارزیابی سلامتی جوامع که نقش مهمی در تضمین پویایی و کارآمدی جامعه ایفا می‌کند، بهزیستی اجتماعی می‌باشد. از این رو هدف پژوهش حاضر، بررسی کتاب مدیریت خانواده و سبک زندگی دختران پایه دوازدهم دوره دوم متوسطه براساس مؤلفه‌های بهزیستی اجتماعی از دیدگاه کیز است. روش این پژوهش توصیفی، تحلیل محتوا، جامعه اطلاع‌رسان شامل یک جلد کتاب درسی دوره دوم متوسطه در سال تحصیلی ۱۴۰۰-۱۳۹۹ و ابزار پژوهش فهرست واریسی با توجه به مؤلفه‌های بهزیستی اجتماعی از دیدگاه کیز می‌باشد. به این صورت که پس از مشخص کردن واحد تحلیل و مؤلفه‌های مدنظر به‌عنوان ملاک‌های تحلیل، با استفاده از تکنیک ویلیام رومی به تحلیل کتاب مذکور اقدام شد. با توجه به ضریب درگیری (ISE=0/8) حاصل از محتوای کتاب مورد بررسی، می‌توان اظهار داشت که میزان توجه کتاب «مدیریت خانواده و سبک زندگی» دختران پایه دوازدهم دوره دوم متوسطه به مؤلفه‌های بهزیستی اجتماعی، در حد پایین‌تر از متوسط (ضریب درگیری پایین‌تر از ۱) و نیمه‌فعال بوده، به تجدید نظر و ویرایش اساسی نیاز دارند. علاوه بر این از آزمون خی دو جهت مشخص کردن نحوه توزیع مؤلفه‌ها در محتوای کتاب مذکور استفاده شد. نتیجه حاصل از آزمون خی دو (Chi-Square: 6.790^a, Sig: 0/147) نشان داد که میزان توجه کتاب به مؤلفه‌های بهزیستی اجتماعی به‌صورت معناداری متوازن است. همچنین در کتاب یادشده مؤلفه مشارکت با ۱۱/۳ درصد، بیشترین فراوانی و مؤلفه انسجام با ۷/۴۳ درصد، کم‌ترین فراوانی را در مؤلفه‌های بهزیستی اجتماعی به خود اختصاص داده‌اند.

واژگان کلیدی

مدیریت خانواده و سبک زندگی، دختران، بهزیستی اجتماعی، کیز^۵

۱. دانشجوی دکتری فلسفه تعلیم و تربیت، گروه علوم تربیتی، دانشکده روان‌شناسی و علوم تربیتی، دانشگاه اصفهان، اصفهان، ایران. (مدیر مسئول)
jaber.eftekhari@gmail.com
۲. دکتری برنامه‌ریزی درسی دانشگاه هرمزگان، بندرعباس، ایران
hojjat.eftekhari18@gmail.com
۳. دانشجوی کارشناسی ارشد فلسفه تعلیم و تربیت دانشگاه شیراز، شیراز، ایران
Fahime.ml1994@gmail.com
۴. دانشیار روان‌شناسی تربیتی گروه علوم تربیتی دانشکده علوم انسانی دانشگاه هرمزگان، بندرعباس، ایران
wahab.samavi@gmail.com

تاریخ دریافت: ۲۰ مرداد ۱۴۰۰ - تاریخ پذیرش: ۴ آبان ۱۴۰۰

مقدمه

سلامتی یکی از بنیان‌های اساسی جامعه به حساب می‌آید که به صورت مستقیم بر کیفیت زندگی افراد تأثیرگذار است و همواره مورد توجه دانشمندان این حوزه بوده است (رضایی و نوغانی‌دخت بهمنی، ۱۳۹۶: ۳۲). این مفهوم طی مکان‌ها و زمان‌های مختلف و در تمامی فرهنگ‌ها و جوامع، نقش مهمی در تجارب زندگی انسان‌ها داشته است (مارکس، موری، ایوانز و استاسیو، ۲۰۰۰: ۳). به‌طور معمول هرگاه سخن از سلامتی به میان می‌آید، بیشتر بُعد جسمانی آن منظور است، درحالی‌که سازمان بهداشت جهانی^۱، سلامتی را نه تنها فقدان بیماری، بلکه حالتی از رفاه کامل جسمی، روانی و اجتماعی تعریف می‌کند. پس سلامتی را می‌توان حالتی از به‌زیستی کامل جسمی، ذهنی و اجتماعی دانست (رضایی و نوغانی‌دخت بهمنی، ۱۳۹۶: ۳۲)؛ از این رو سلامت اجتماعی مفهومی است که به ارتباط بین دو مفهوم سلامت و اجتماع اشاره دارد. با توجه به اینکه اجتماع مفهومی اعتباری است و حقیقت خارجی آن منوط به افراد تشکیل‌دهنده آن می‌باشد، در بررسی اجتماع باید بیش از هر چیز افراد جامعه را مطالعه کرد. همچنین سلامت اجتماعی، هنگامی محقق می‌شود که هریک از شهروندان از سلامت نسبی برخوردار باشند، در برابر اجتماع خود احساس مسئولیت کنند و سعادت خود را در سلامت اجتماع بدانند (بخارایی، شربتیان و طوافی، ۱۳۹۴: ۲).

پس به‌زیستی اجتماعی^۲ به‌عنوان یکی از ابعاد سلامت، در کنار سلامت جسمی و روانی نقش و اهمیت گسترده‌ای یافته است، به‌صورتی که کیز^۳ مفهوم به‌زیستی اجتماعی را ارزیابی فرد از عملکردش در برابر اجتماع بیان می‌کند و معتقد است کیفیت زندگی و عملکرد شخصی فرد را نمی‌توان بدون توجه به معیارهای اجتماعی ارزیابی کرد؛ چراکه عملکرد خوب در زندگی چیزی بیش از سلامت جسمی، عاطفی و روانی است و تکالیف و چالش‌های اجتماعی را نیز شامل می‌شود (کیز، ۲۰۰۴: ۴۸). در این راستا به‌زیستی اجتماعی با جامعه‌پذیری اشخاص در جامعه در ارتباط است و عامل مهمی در پذیرش هنجارهای اجتماعی و کاهش قانون‌گریزی و ناهنجاری‌های اجتماعی به‌شمار می‌رود؛ زیرا جامعه‌ای که افراد آن از به‌زیستی اجتماعی برخوردارند، شرایط بهتری از مشارکت اجتماعی را نشان می‌دهند (سام آرام، ۱۳۸۸: ۱۱).

با توجه به مطالب گفته‌شده، اگرچه برخورداری از به‌زیستی اجتماعی برای همه اقشار جامعه اهمیت دارد، اما برای قشر جوان به‌خاطر داشتن نقش محوری در جریان رشد و توسعه ملی و تحقق اهداف کمی و کیفی آن، واجد اهمیت بیشتری است. در واقع برخورداری جوانان از به‌زیستی اجتماعی موجب به حداکثر رسیدن کارکردها و پیامدهای مثبت اجتماعی نظیر مشارکت سیاسی، اقتصادی و

-
1. Marks, Murray, Evans & Estacio
 2. World Health Organization (WHO)
 3. Social Wellbeing
 4. Keyes

مدنی می‌شود و عدم برخورداری این کارکردها، آسیب‌ها و پیامدهای منفی به‌همراه خواهد داشت؛ زیرا جوانان نقش سازنده‌ای در جامعه دارند و سلامت این گروه از اهمیت بسزایی برخوردار است. از این‌رو ایجاد زمینه‌های توسعه کیفی زندگی و به‌زیستی اجتماعی جوانان می‌تواند زمینه تحقق اهداف جامعه را فراهم کرده، کشور را به اهداف توسعه هزاره سوم نزدیک‌تر کند (شربتیان و عرفانیان قصاب، ۱۳۹۷: ۱۹۶)؛ بنابراین شناسایی اینکه چه عواملی می‌تواند بر به‌زیستی اجتماعی جوانان تأثیرگذار باشد، می‌تواند به افزایش به‌زیستی اجتماعی آنها کمک کند و آنها را در برابر مشکلات اجتماعی مصون سازد و موجب شود که به‌راحتی بتوانند با شرایط متغیر زندگی امروزی کنار آیند.

اگرچه یکی از محورهای اساسی و مهم ارزیابی سلامتی جوامع مختلف که نقش مهمی در تضمین پویایی و کارآمدی هر جامعه ایفا می‌کند و تابعی از عوامل مختلف اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی و سیاسی می‌باشد، برخورداری جامعه از به‌زیستی اجتماعی است (همان: ۱۹۶)، اما به‌نوعی با غفلت مواجه شده است و محققان کمتر به بررسی آن پرداخته‌اند، در حالی که درک اینکه چگونه به‌زیستی اجتماعی نوجوانان افزایش می‌یابد، مهم است و با توجه به اینکه به‌زیستی اهمیت چشمگیری در جنبه‌های مختلف زندگی دانش‌آموزان دارد، در مدارس کمتر به این موضوع پرداخته شده است (ریف^۱، ۲۰۱۳: ۱۲)؛ به‌عنوان مثال نتیجه پژوهش صبحی قراملکی، پورعبدل و سجادیپور (۱۳۹۷) حاکی از آن است که آموزش مهارت‌های اجتماعی نقش مهمی در افزایش رفتارهای سازگار و ایجاد همدلی دانش‌آموزان زورگو داشته، منجر به بهبود به‌زیستی اجتماعی در این دانش‌آموزان می‌شود. نتایج پژوهش شربتیان و عرفانیان قصاب (۱۳۹۷) نشان می‌دهد که سرمایه اجتماعی، کیفیت زندگی و رضایت زندگی بر به‌زیستی اجتماعی تأثیر مستقیم دارند. شربتیان و ایمنی (۱۳۹۷) بر این باورند که متغیرهای رضایت از زندگی، نشاط اجتماعی و کیفیت زندگی، تأثیر مستقیمی بر سلامت اجتماعی دارند. رضایی و نوغانی‌دخت بهمنی (۱۳۹۶) معتقدند که متغیرهایی نظیر سن، وضعیت تأهل، عضویت در انجمن‌های دانشجویی، رضایت از زندگی و حمایت اجتماعی بر به‌زیستی اجتماعی دانشجویان تأثیرگذارند، اما بین جنسیت و به‌زیستی اجتماعی رابطه‌ای مشاهده نشده است. افشانی و شیرینی محمدآباد (۱۳۹۵) در پژوهشی نشان داده‌اند که میان میزان رضایت از زندگی و ابعاد به‌زیستی اجتماعی رابطه مثبت و معناداری وجود دارد. شربتیان و طوافی (۱۳۹۵) بر این باورند که رابطه معناداری بین سن و پایگاه اقتصادی و اجتماعی شهروندان و احساس به‌زیستی اجتماعی وجود دارد. نتایج پژوهش عباسی (۱۳۹۴) نشان داد که دانش‌آموزان مبتلا به اختلال یادگیری نسبت به گروه سالم، از به‌زیستی اجتماعی پایین‌تری برخوردار بودند. عباسی، اعیادی، شفیع‌ی و پیرانی (۱۳۹۴) در پژوهشی به این نتیجه رسیدند که به‌زیستی اجتماعی عامل مهمی در تعیین اشتیاق تحصیلی دانشجویان است، ولی سرزندگی تحصیلی، نقشی در این زمینه ندارد. سفیری و صادقی راوندی (۱۳۹۳) در پژوهشی دریافتند که بین هویت جنسیتی-شخصی، هویت جنسیتی-اجتماعی و سلامت اجتماعی

زنان و مردان جوان رابطه معنادار و مستقیمی وجود دارد. زکی و خشوعی (۱۳۹۲) بیان می‌کنند که بین به‌زیستی اجتماعی و متغیرهای مسئولیت‌پذیری اجتماعی، تعهد اجتماعی و اعتماد اجتماعی رابطه مستقیم و معناداری وجود دارد. شریفیان ثانی و زنجری (۱۳۹۲) به‌زیستی را وضعیت خوشایندی دانسته‌اند که در ارتباط با بستر اجتماعی، اقتصادی، سیاسی و محیط معنا می‌یابد. سام آرام (۱۳۸۸) در پژوهشی به بررسی رابطه به‌زیستی اجتماعی و امنیت اجتماعی پرداخته و نتیجه گرفته است که با افزایش امنیت در جامعه، به‌زیستی اجتماعی نیز افزایش می‌یابد. باباپور، طوسی و حکمتی (۱۳۸۸) در پژوهشی به تفاوت بین رشته‌های تحصیلی در شکوفایی اجتماعی و عدم ارتباط بین به‌زیستی اجتماعی با قومیت و پایگاه اقتصادی-اجتماعی پی بردند. همچنین نتیجه پژوهش عبدالله‌تبار، کلدی، محقق‌کمال، ستاره‌فروزان و صالحی (۱۳۸۷) به تأیید رابطه بین وضعیت تأهل، مقطع تحصیلی، جنسیت و وضعیت اشتغال با سلامت اجتماعی منجر شد.

کروک^۱ (۲۰۱۵) در پژوهشی بیان می‌کند نقش واسطه‌ای خوش‌بینی میان حس انسجام و به‌زیستی در پایان دوره نوجوانی دیده شده است. تلف و ارگون^۲ (۲۰۱۳) بر این باورند که خودکارآمدی پیش‌بینی‌کننده به‌زیستی دانش‌آموزان دبیرستانی است. نتایج پژوهش ساراسینو^۳ (۲۰۱۰) نشان می‌دهد که سرمایه اجتماعی و مؤلفه‌های آن با به‌زیستی رابطه مثبت و معناداری دارد و زمانی که افراد سرمایه اجتماعی بیشتری دارند، رضایت از زندگی و به‌زیستی روانی و اجتماعی بالاتری نیز دارند. هاس، شافر و کورنینکو^۴ (۲۰۱۰) بر این باورند افرادی که از سلامت ضعیفی برخوردارند، در شبکه‌های اجتماعی خود موقعیت ویژه‌ای ندارند و دوستانشان رابطه ضعیفی با یکدیگر دارند. فوجیساوا و همکاران^۵ (۲۰۰۹) در مطالعه‌ای در ژاپن نشان داده‌اند پس از تعدیل متغیر سرمایه اجتماعی فردی ادراک شده، دو متغیر به پیوست سرمایه اجتماعی جامعه (مهربانی و صمیمیت) رابطه معناداری با سلامت عمومی دارند. کیکوگنانی و همکاران^۶ (۲۰۰۸) با ارزیابی ارتباط بین مشارکت اجتماعی، درک از اجتماع در میان دانشجویان ایتالیایی، آمریکایی و ایرانی و تأثیر این دو متغیر بر به‌زیستی اجتماعی نشان دادند که مشارکت اجتماعی، درک از اجتماع و به‌زیستی اجتماعی در میان دانشجویان آمریکایی در سطح بالایی قرار دارد و مشارکت اجتماعی تنها در میان دانشجویان ایتالیایی به‌طور مثبتی به‌زیستی اجتماعی را تبیین می‌کند. یاماوکا^۷ (۲۰۰۸) معتقد است که بین سرمایه اجتماعی و به‌زیستی رابطه معنی‌داری وجود دارد؛ به‌عبارتی افرادی که در زندگی دوستان بیشتری دارند، از به‌زیستی اجتماعی

-
1. Krok
 2. Telef & Ergün
 3. Sarracino
 4. Haas, Schaefer & Kornienko
 5. Fujisawa et al
 6. Cicognani et al
 7. Yamaoka

بالتری نیز برخوردارند. از نظر بلانکو و دیاز^۱ (۲۰۰۷) بین ابعاد بهزیستی اجتماعی و جنبه‌های دیگری از سلامت، مانند میزان افسردگی، عزت نفس، سلامت درک شده، محرومیت، میزان آنومی و کنش‌های متقابل اجتماعی؛ احساسات مثبت و منفی و رضایت رابطه مثبت وجود دارد. همچنین کیز و شاپیرو^۲ (۲۰۰۴) در بررسی آسیب‌شناختی بهزیستی اجتماعی در آمریکا به توزیع نابرابر ابعاد بهزیستی در بین آمریکاییان و رابطه بهزیستی اجتماعی، با وضعیت تاهل و جنسیت پی بردند.

بنابراین مقوله بهزیستی اجتماعی را می‌توان به‌عنوان مبنایی برای برنامه‌های آموزشی مدرسه در نظر گرفت؛ زیرا با توجه به وضعیت کنونی جامعه و نیاز به ارتقاء کیفیت روابط اجتماعی افراد با یکدیگر و به‌دنبال آن پیشرفت و توسعه جامعه، لازم است که دانش‌آموزان را با شیوه‌های درست زندگی و تعامل آشنا کرد و مهارت‌های لازم را به آنها آموزش داد. با مرور پیشینه پژوهش می‌توان دریافت که اگرچه پژوهش‌هایی در زمینه بهزیستی اجتماعی و ارتباط آن با برنامه درسی، آموزش و کلاس درس، صورت پذیرفته است، اما پژوهشی یافت نشد که به بررسی میزان برخورداری کتب درسی از مؤلفه‌های بهزیستی اجتماعی و به‌ویژه در کتاب مدیریت خانواده و سبک زندگی که هدف اصلی آنها پرورش مهارت‌های زندگی بهتر در اجتماع و آموزش آداب و رسوم و فرهنگ است، پرداخته باشد. از این رو پژوهش حاضر با هدف بررسی ظرفیت کتاب مدیریت خانواده و سبک زندگی دختران پایه دوازدهم، از مؤلفه‌های بهزیستی اجتماعی از دیدگاه کیز با روش تحلیل محتوا انجام شد تا به پرسش‌های زیر پاسخ دهد:

- ۱- متن کتاب مدیریت خانواده و سبک زندگی دختران پایه دوازدهم به چه میزان دانش‌آموزان را با مؤلفه‌های بهزیستی اجتماعی درگیر می‌سازد؟
- ۲- پرسش‌های کتاب مدیریت خانواده و سبک زندگی دختران پایه دوازدهم به چه میزان دانش‌آموزان را با مؤلفه‌های بهزیستی اجتماعی درگیر می‌سازد؟
- ۳- تصاویر کتاب مدیریت خانواده و سبک زندگی دختران پایه دوازدهم به چه میزان دانش‌آموزان را با مؤلفه‌های بهزیستی اجتماعی درگیر می‌سازند؟
- ۴- محتوای (متن، پرسش‌ها و تصاویر) کتاب مدیریت خانواده و سبک زندگی دختران پایه دوازدهم به چه میزان دانش‌آموزان را با مؤلفه‌های بهزیستی اجتماعی درگیر می‌سازد؟
- ۵- به چه میزان در محتوای کتاب مدیریت خانواده و سبک زندگی دختران پایه دوازدهم به مؤلفه‌های بهزیستی اجتماعی توجه شده است؟
- ۶- آیا تفاوت معناداری در توزیع مؤلفه‌های بهزیستی اجتماعی در کتاب مدیریت خانواده و سبک زندگی دختران پایه دوازدهم وجود دارد؟

1. Blanco & Diaz

2. Shapiro

تعریف مفهومی و عملیاتی به‌زیستی اجتماعی

در این قسمت به‌منظور روشن شدن مفهوم به‌زیستی اجتماعی به بیان تعاریفی که در این زمینه ارائه شده است، پرداخته می‌شود:

۱- تعریف مفهومی: به‌زیستی اجتماعی به‌معنای ارزیابی افراد از روابط اجتماعی‌شان، چگونگی واکنش دیگران به آنها و چگونگی تعامل آنها با نهادهای اجتماعی و اجتماع است (کیز، شاپیرو، ۲۰۰۸: ۳۳۱)

۲- تعریف عملیاتی: در پژوهش حاضر منظور از به‌زیستی اجتماعی، طرح چندوجهی کیز از به‌زیستی اجتماعی است که دارای پنج مؤلفه انسجام، همبستگی، پذیرش، مشارکت و شکوفایی است و هرکدام از واحدهای تحلیل در این پژوهش براساس این مؤلفه‌ها سنجش می‌شود. در زیر به بیان مفاهیم این پنج مؤلفه پرداخته شده است:

انسجام: به‌معنای حمایت شدن از طریق جامعه و حالتی که در آن مردم احساس می‌کنند چیز مشترکی میان آنها و کسانی که واقعیت اجتماعی آنها را می‌سازند، وجود دارد. برای نمونه در قسمتی از کتاب اشاره شده است که: «پختگی اجتماعی، به این معنا نیست که فرد حرکت بی‌خطر و یا بی‌اثری در جامعه داشته باشد. فرد پخته، نسبت به اطراف خود حساس است و نسبت به آسیب‌های محیط و مشکلات دیگران هوشمند است. این فرد هر جا که بتواند تغییری در اطراف خود ایجاد کند، وارد می‌شود و برای اصلاح هر آسیبی که در جامعه ببیند، اقدام خواهد کرد و با بی‌خیالی و بی‌توجهی از کنار آن نمی‌گذرد».

همبستگی: شامل ارزیابی فرد از اجتماع به‌صورت قابل فهم، قابل پیش‌بینی و مخصوص است و درحقیقت درکی است که فرد نسبت به کیفیت سازماندهی و اداره دنیای اجتماعی اطراف خود دارد. به‌عنوان مثال در بخشی از کتاب آورده شده است: «وقتی پسری بر سر مسئله‌ای با پدرش حرفش شده و حاضر نیست کوتاه بیاید و نزدیک است دیگر قهر کند و از خانه بگذارد و برود، ورود مهربانانه دختر خانواده به‌عنوان یک خواهر عاقل و دلسوز، تأثیر زیادی دارد. ممکن است خودش هم قبلاً با برادرش دعوا کرده باشد و دل پُری از او داشته باشد، اما به‌خوبی متوجه است که وقت تلافی کردن نیست».

پذیرش: به‌معنای داشتن گرایش‌های مثبت نسبت به افراد و پذیرش آنها، با وجود برخی رفتارهای پیچیده است. برای مثال در قسمتی از کتاب آمده است که: «با ویژگی‌های نامطلوب فرد مقابلتان کنار بیایید. مثلاً بپذیرید که خواهرتان زودرنج یا پدرتان سختگیر است و چاره‌ای جز پذیرش آنها ندارید؛ البته این به‌معنای تأیید این ویژگی‌ها نیست؛ انسان‌های منعطف راحت‌تر می‌توانند خود و دیگران و موقعیت‌های مختلف را بپذیرند و سپس بهترین عملکرد را از خود نشان دهند. چه‌بسا همین انعطاف شما باعث شود آنها به تغییر شخصیت منفی خود تمایل پیدا کنند».

مشارکت: باوری که طبق آن، فرد خود را عضو حیاتی اجتماع می‌داند و فکر می‌کند چیز

ارزشمندی برای عرضه به دنیا و اجتماع خود دارد. در این زمینه در قسمتی از کتاب نوشته شده است: «بعضی هم وظیفه‌شناس و کمک‌حال مادرشان هستند. اگر روزی مهمانی به خانه بیاید، خیال مادرشان راحت است؛ چون می‌دانند با وجود دخترشان، کارها برایشان راحت‌تر خواهد بود. وقتی مادر می‌بیند که خانه از تمیزی برق می‌زند، پیش خودش می‌گوید: دخترم برای خودش خانمی شده است! وقتی مسافرتی پیش می‌آید، خاطر جمع است که دختر کدبانویی دارم و دیگر نیازی نیست به مادر بزرگ بگویم پیش بچه‌هایم بماند تا برگردم. دخترم می‌داند وقتی که در خانه نیستم، وظیفه‌اش سنگین‌تر می‌شود، نه اینکه از درسش بزند! وقت کمتری را جلوی آینه می‌ایستد یا کمتر برای گوشی وقت می‌گذارد و به جای آن، کمک‌حال من است.»

شکوفایی: به معنای دانستن و اعتقاد داشتن به اینکه جامعه قابلیت رشد به شکل مثبت را دارد و می‌تواند این قابلیت را به شکل بالفعل درآورد. برای نمونه در بخشی از کتاب به این موضوع اشاره شده است که: «هر دختری در زندگی، دوست دارد به جایگاه و نقش مناسبی که در ذهنش برای خود ترسیم کرده است برسد؛ جایگاهی که احساس می‌کند با رسیدن به آن، به نقطه مطلوب و زندگی ایدئالش دست یافته است. مثلاً بعضی از دخترها جایگاه مطلوب خود را در شخصیت یک هنرپیشه می‌بینند. بعضی نقش‌های مردانه برای خود انتخاب می‌کنند، بعضی‌ها دوست دارند نقش و جایگاهشان را از درون خود و براساس ویژگی‌های درونیشان ترسیم کنند؛ یعنی خودشان باشند و داشته‌ها و سرمایه‌های درونی خود را شکوفا کنند.»

کتاب درسی: کتاب مد نظر برای مطالعه در این پژوهش، کتاب مدیریت خانواده و سبک زندگی دختران پایه دوازدهم دوره دوم متوسطه است که از طرف وزارت آموزش و پرورش ایران در سال ۱۴۰۰-۱۳۹۹ منتشر شده. از آنجایی که این کتاب دانش‌آموزان را با آداب و رسوم اجتماعی، فرهنگ و قوانین شهروندی آشنا می‌سازد و محتوای آنها از نظر میزان توجه به مؤلفه‌های به‌زیستی اجتماعی، تحلیل و بررسی نشده بودند، مورد مطالعه و تحلیل قرار گرفته شد.

روش پژوهش

پژوهش حاضر به منظور توصیف، تحلیل و بیان وضعیت کتاب مدیریت خانواده و سبک زندگی دختران پایه دوازدهم از منظر توجه به مؤلفه‌های به‌زیستی اجتماعی، از روش مراجعه به اسناد و تکنیک تحلیل محتوا، سود برده است. از این‌رو برای انجام این کار از روش ویلیام رومی^۱ (۱۹۸۶) در پردازش واحدهای تحلیل و تعیین ضریب درگیری (ISE) دانش‌آموزان با این کتاب، از لحاظ میزان توجه به مؤلفه‌های به‌زیستی اجتماعی استفاده شده است. در این پژوهش مؤلفه‌های به‌زیستی اجتماعی براساس نظریه

به‌زیستی اجتماعی از دیدگاه کیز^۱ (۱۹۹۸) تعیین شد.

به این صورت که پس از عملیات برش و طبقه‌بندی متن، پرسش‌ها و تصاویر به واحدهای مشخص، عملیات محاسبه میزان پرداختن هریک از درس‌ها به مؤلفه‌های به‌زیستی اجتماعی انجام گرفت؛ بنابراین محتوای کتاب «مدیریت خانواده و سبک زندگی» دختران پایه دوازدهم دوره دوم متوسطه به سه بخش متن، پرسش‌ها و تصاویر تقسیم و براساس مؤلفه‌های پنجگانه به‌زیستی اجتماعی تحلیل شد. در قسمت متن، هر بند (پاراگراف) به‌عنوان یک واحد تحلیل و در قسمت پرسش‌ها و تصاویر هر پرسش و هر تصویر به‌عنوان یک واحد تحلیل در نظر گرفته شد. سپس با استفاده از فهرست و آرسی تعداد واحدهای مربوط به هرکدام از مؤلفه‌های به‌زیستی اجتماعی درمقابل آن نوشته و به‌منظور پردازش داده‌ها از روش تحلیل محتوای ویلیام رومی استفاده شد.

به این صورت که از تقسیم مجموع فراوانی واحدهای تحلیلی که به مؤلفه‌های به‌زیستی اجتماعی توجه داشته‌اند، بر مجموع فراوانی واحدهای تحلیلی که بدان توجه نداشته‌اند، ضریب درگیری به‌دست آمد. حال اگر ضریب درگیری حاصله ۰/۵ باشد، نشانه این خواهد بود که ۲۵ درصد واحدهای تحلیل، مرتبط با مؤلفه‌های به‌زیستی اجتماعی هستند و اگر ضریب درگیری به‌دست آمده ۱ باشد، حاکی از این است که ۵۰ درصد واحدهای تحلیل، مرتبط با مؤلفه‌های به‌زیستی اجتماعی هستند؛ بنابراین در صورتی که ضریب درگیری از ۱ کمتر باشد، نشان‌دهنده توجه پایین‌تر از حد متوسط و وضعیت نسبتاً مطلوب کتاب به مؤلفه‌های به‌زیستی اجتماعی و هرچه از ۱ بیشتر باشد، نشان‌دهنده توجه بالاتر از حد متوسط و وضعیت مطلوب کتاب از نظر برخورداری از مؤلفه‌های به‌زیستی اجتماعی است (امیرتیموری، زارع، ساریخانی و سالاری، ۱۳۹۲: ۱۷۳). همچنین جهت محاسبه درصدهای موجود در جدول، مجموع واحدهای تحلیل (واحدهای مرتبط و غیرمرتبط) را ۱۰۰ درصد در نظر گرفته و درصد هریک از مؤلفه‌ها با استفاده از جدول تناسب، از مجمع واحدهای تحلیل (۱۰۰ درصد) محاسبه شد.

با توجه به هدف پژوهش، یعنی بررسی میزان توجه به مؤلفه‌های به‌زیستی اجتماعی در کتاب *مدیریت خانواده و سبک زندگی دختران پایه دوازدهم دوره دوم متوسطه*، این کتاب به‌عنوان محتوایی که می‌توانست شاخص توجه به مفهوم به‌زیستی اجتماعی در دوره دوم آموزش متوسطه باشد، مد نظر قرار گرفت. از این‌رو جامعه اطلاع‌رسان این پژوهش محتوای کتاب «مدیریت خانواده و سبک زندگی (دختران)» در سال تحصیلی ۱۳۹۹-۱۴۰۰ است. همچنین در این پژوهش حجم نمونه و جامعه آماری یکسان است، به عبارت دیگر تمام محتوای (متن، پرسش‌ها و تصاویر) این کتاب گدگذاری، تحلیل و بررسی شد و با استفاده از روش نمونه‌گیری معطوف به هدف، از مجموعه کتب دوره دوم آموزش متوسطه انتخاب گردید.

به‌منظور اطمینان از روایی پژوهش، مؤلفه‌های به‌زیستی اجتماعی از دیدگاه کیز، همراه با فرمی به‌صورت بلی و خیر در اختیار سه تن از اساتید رشته برنامه‌ریزی درسی قرار داده شد تا نظر دهند، آیا

مؤلفه‌های پنج‌گانه به‌زیستی اجتماعی کیز می‌توانند به‌عنوان معیاری جهت پرداختن واحدهای تحلیل در کتاب به‌زیستی اجتماعی در نظر گرفته شوند یا خیر و در نهایت ضریب همبستگی پیرسون $r=0.78$ محاسبه شد. همچنین به‌منظور تعیین پایایی، پژوهشگران به‌صورت تصادفی تعدادی از واحدهای تحلیل موجود در متن، پرسش‌ها و تصاویر کتاب «مدیریت خانواده و سبک زندگی» دختران پایه دوازدهم دوره دوم متوسطه (جمعاً ۳۰ مورد) را انتخاب کردند و هر کدام را با توجه به ارتباطشان با مؤلفه‌های به‌زیستی اجتماعی در ذیل مؤلفه مربوط قرار دادند؛ سپس از همان اساتید مجدداً درخواست کردند تا نظرات خود را درباره تخصیص درست یا نادرست ویژگی به‌زیستی اجتماعی به واحدهای تحلیل منتخب مشخص کنند. در نهایت ضریب همبستگی میان مؤلفه‌های تشخیص داده‌شده از سوی نمره‌گذاران، $r=0.75$ محاسبه شد که حاکی از ثبات نسبتاً مطلوب در تخصیص واحدهای تحلیل مرتبط با به‌زیستی اجتماعی است.

یافته‌های پژوهش

در این بخش یافته‌های حاصل از تحلیل محتوای کتاب «مدیریت خانواده و سبک زندگی» دختران پایه دوازدهم دوره دوم متوسطه پس از بررسی واحدهای تحلیل، با توجه به سؤال‌های پژوهشی ارائه شده است.

سؤال اول پژوهش حاضر عبارت از این بود که «متن کتاب مدیریت خانواده و سبک زندگی دختران پایه دوازدهم به چه میزان دانش‌آموزان را با مؤلفه‌های به‌زیستی اجتماعی درگیر می‌سازد؟». با توجه به نتیجه حاصل از تعیین ضریب درگیری دانش‌آموزان با متن کتاب مدیریت خانواده و سبک زندگی، در جدول شماره ۱ می‌بینیم که ضریب درگیری دانش‌آموزان با متن کتاب $ISE=0.67$ است؛ بنابراین ضریب درگیری عددی بزرگ‌تر از 0.5 است و می‌توان استنباط کرد که بیشتر از ۲۵ درصد واحدهای تحلیل، به به‌زیستی اجتماعی پرداخته‌اند. از این رو $40/2$ درصد از مفاهیم ارائه‌شده در متن کتاب مدیریت خانواده و سبک زندگی، مبین مؤلفه‌های به‌زیستی اجتماعی است و ضریب درگیری متن کتاب یادشده در زمینه مؤلفه‌های به‌زیستی اجتماعی در حد متوسط و نسبتاً مطلوب می‌باشد.

جدول ۱. فراوانی مؤلفه‌های به‌زیستی اجتماعی در متن کتاب مدیریت خانواده و سبک زندگی دختران پایه

دوازدهم					
مؤلفه‌ها	فراوانی واحدهای مرتبط	درصد فراوانی	فراوانی واحدهای غیرمرتبط	فراوانی واحدهای تحلیل	ضریب درگیری (ISE)
انسجام	۲۴	۶/۱۸			
همبستگی	۳۱	۷/۹۸	۲۳۲	۳۸۸	۰/۶۷
پذیرش	۲۹	۷/۴۷			

مؤلفه‌ها	فراوانی واحدهای مرتبط	درصد فراوانی	فراوانی واحدهای غیرمرتبط	فراوانی واحدهای تحلیل	ضریب درگیری (ISE)
مشارکت	۳۸	۹/۷۹			
شکوفایی	۳۴	۸/۷۶			
فراوانی	۱۵۶	-			
درصد فراوانی	-	۴۰/۲	۵۹/۷۹	۱۰۰	

سؤال دوم پژوهش حاضر عبارت از این بود که «پرسش‌های کتاب مدیریت خانواده و سبک زندگی دختران پایه دوازدهم به چه میزان دانش‌آموزان را با مؤلفه‌های به‌زیستی اجتماعی درگیر می‌سازد؟»
 باتوجه به نتیجه حاصل از تعیین ضریب درگیری دانش‌آموزان با پرسش‌های کتاب مدیریت خانواده و سبک زندگی دختران پایه دوازدهم در جدول شماره ۲، می‌بینیم که ضریب درگیری دانش‌آموزان با پرسش‌های کتاب $ISE=1/07$ است؛ بنابراین ضریب درگیری عددی بزرگ‌تر از ۱ است و می‌توان استنباط کرد که بیشتر از ۵۰ درصد واحدهای تحلیل به‌زیستی اجتماعی پرداخته‌اند. از این رو ۵۱/۷۷ درصد از مفاهیم ارائه‌شده در پرسش‌های کتاب مدیریت خانواده و سبک زندگی مبین مؤلفه‌های به‌زیستی اجتماعی، و ضریب درگیری پرسش‌های کتاب یادشده در زمینه مؤلفه‌های به‌زیستی اجتماعی در حد زیاد و مطلوب است.

جدول ۲. فراوانی مؤلفه‌های به‌زیستی اجتماعی در پرسش‌های کتاب مدیریت خانواده و سبک زندگی

دختران پایه دوازدهم

مؤلفه‌ها	فراوانی واحدهای مرتبط	درصد فراوانی	فراوانی واحدهای غیرمرتبط	فراوانی واحدهای تحلیل	ضریب درگیری (ISE)
انسجام	۱۴	۹/۹۲			
همبستگی	۱۵	۱۰/۶۸			
پذیرش	۹	۶/۳۸			
مشارکت	۱۸	۱۲/۷۶	۶۸	۱۴۱	۱/۰۷
شکوفایی	۱۷	۱۲/۰۵			
فراوانی	۷۳	-			
درصد فراوانی	-	۵۱/۷۷	۴۸/۲۲	۱۰۰	

سؤال سوم پژوهش حاضر عبارت از این بود که «تصاویر کتاب مدیریت خانواده و سبک زندگی دختران پایه دوازدهم به چه میزان دانش‌آموزان را با مؤلفه‌های به‌زیستی اجتماعی درگیر می‌سازد؟»
 با توجه به نتیجه حاصل از تعیین ضریب درگیری دانش‌آموزان با تصاویر کتاب مدیریت خانواده و سبک زندگی دختران پایه دوازدهم، در جدول شماره ۳ می‌بینیم که ضریب درگیری دانش‌آموزان با تصاویر کتاب $ISE=1/09$ است؛ بنابراین ضریب درگیری عددی بزرگ‌تر از ۱ است و می‌توان استنباط کرد که بیش از ۵۰ درصد واحدهای تحلیل، به به‌زیستی اجتماعی پرداخته‌اند. از این‌رو ۵۲/۲۲ درصد از مفاهیم ارائه‌شده در تصاویر کتاب مبین مؤلفه‌های به‌زیستی اجتماعی، و ضریب درگیری تصاویر کتاب یادشده در زمینه مؤلفه‌های به‌زیستی اجتماعی در حد زیاد و مطلوب است.

جدول ۳. فراوانی مؤلفه‌های به‌زیستی اجتماعی در تصاویر کتاب مدیریت خانواده و سبک زندگی دختران

پایه دوازدهم

مؤلفه‌ها	فراوانی واحدهای مرتبط	درصد فراوانی	فراوانی واحدهای غیرمرتبط	فراوانی واحدهای تحلیل	ضریب درگیری (ISE)
انسجام	۸	۸/۸۰			
همبستگی	۷	۷/۷۷			
پذیرش	۱۰	۱۱/۱۱	۴۳	۹۰	
مشارکت	۱۴	۱۵/۵۵			۱/۰۹
شکوفایی	۸	۸/۸۸			
فراوانی	۴۷	-			
درصد فراوانی	-	۵۲/۲۲	۴۷/۷۷	۱۰۰	

سؤال چهارم پژوهش حاضر عبارت از این بود که «محتوای (متن، پرسش‌ها و تصاویر) کتاب مدیریت خانواده و سبک زندگی دختران پایه دوازدهم دوره دوم متوسطه به چه میزان دانش‌آموزان را با مؤلفه‌های به‌زیستی اجتماعی درگیر می‌سازد؟»

با توجه به نتیجه حاصل از تعیین ضریب درگیری دانش‌آموزان با محتوای کتاب مدیریت خانواده و سبک زندگی در جدول شماره ۴، می‌بینیم که ضریب درگیری دانش‌آموزان با محتوای کتاب $ISE=0/8$ است؛ بنابراین ضریب درگیری عددی بزرگ‌تر از ۰/۵ است و می‌توان استنباط کرد که بیش از ۲۵ درصد واحدهای تحلیل، به‌زیستی اجتماعی را مد نظر قرار داده‌اند. از این‌رو ۴۴/۵۸ درصد از مفاهیم ارائه‌شده در محتوای کتاب مدیریت خانواده و سبک زندگی، مبین مؤلفه‌های به‌زیستی اجتماعی، و ضریب درگیری محتوای کتاب یادشده در زمینه مؤلفه‌های به‌زیستی اجتماعی در حد متوسط و نسبتاً مطلوب است.

جدول ۴. فراوانی مؤلفه‌های به‌زیستی اجتماعی در محتوای کتاب مدیریت خانواده و سبک زندگی دختران پایه دوازدهم

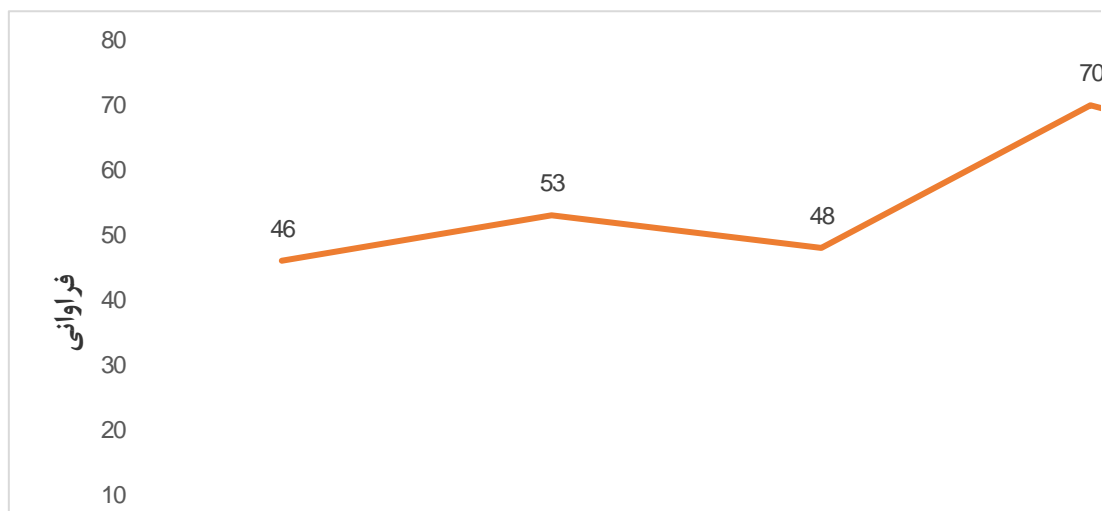
مؤلفه‌ها	فراوانی واحدهای مرتبط	درصد فراوانی	فراوانی واحدهای غیرمرتبط	فراوانی واحدهای تحلیل	ضریب درگیری (ISE)
انسجام	۴۶	۷/۴۳			
همبستگی	۵۳	۸/۵۶			
پذیرش	۴۸	۷/۷۵	۳۴۳	۶۱۹	
مشارکت	۷۰	۱۱/۳			۰/۸
شکوفایی	۵۹	۹/۵۳			
فراوانی	۲۷۶	-			
درصد فراوانی	-	۴۴/۵۸	۵۵/۴۱	۱۰۰	

سوال پنجم پژوهش حاضر عبارت از این بود که: «به چه میزان در محتوای کتاب مدیریت خانواده و سبک زندگی دختران پایه دوازدهم به مؤلفه‌های به‌زیستی اجتماعی توجه شده است؟» براساس داده‌های جدول شماره ۵، مشاهده می‌شود که ۲۷۶ واحد تحلیل (۴۴/۵۸ درصد) در کتاب مدیریت خانواده و سبک زندگی دختران پایه دوازدهم دوره دوم متوسطه به مؤلفه‌های به‌زیستی اجتماعی پرداخته‌اند که در این میان مؤلفه‌های انسجام ۴۶ مورد (۷/۴۳ درصد)، همبستگی ۵۳ مورد (۸/۵۶ درصد)، پذیرش ۴۸ مورد (۷/۷۵ درصد)، مشارکت ۷۰ مورد (۱۱/۳ درصد) و شکوفایی ۵۹ مورد (۹/۵۳ درصد) فراوانی را به خود اختصاص داده‌اند. همچنین مؤلفه مشارکت با ۱۱/۳ درصد، بیشترین فراوانی و مؤلفه انسجام با ۷/۴۳ درصد، کم‌ترین فراوانی را در مؤلفه‌های به‌زیستی اجتماعی به خود اختصاص داده‌اند. در نمودار ۱، نیم‌رخ توزیع مؤلفه‌های به‌زیستی اجتماعی در کتاب مدیریت خانواده و سبک زندگی دختران پایه دوازدهم دوره دوم متوسطه ترسیم شده است.

جدول ۵. فراوانی مؤلفه‌های به‌زیستی اجتماعی در کتاب مدیریت خانواده و سبک زندگی دختران پایه دوازدهم

مؤلفه‌ها	فراوانی واحدهای مرتبط	درصد فراوانی
انسجام	۴۶	۷/۴۳
همبستگی	۵۳	۸/۵۶
پذیرش	۴۸	۷/۷۵
مشارکت	۷۰	۱۱/۳
شکوفایی	۵۹	۹/۵۳

فرآوانی	۲۷۶	-
درصد فرآوانی	-	۴۴/۵۸



نمودار ۱. نیمرخ فرآوانی مؤلفه‌های به‌زیستی اجتماعی در کتاب مدیریت خانواده و سبک زندگی دختران پایه دوازدهم

سوال ششم پژوهش حاضر عبارت از این بود که: «آیا تفاوت معناداری در توزیع مؤلفه‌های به‌زیستی اجتماعی در کتاب مدیریت خانواده و سبک زندگی دختران پایه دوازدهم وجود دارد؟»
 براساس داده‌های موجود در جدول شماره ۶، با توجه به اینکه مقدار sig به دست آمده از مقدار ۰/۰۵ بیشتر است، می‌توان گفت فرض صفر تأیید می‌شود و بین مؤلفه‌های به‌زیستی اجتماعی در سطح ۰/۱۴۷ تفاوت معناداری وجود ندارد (Chi-Square: 6.790^a, Sig: 0/147). بدین معنا که به ترتیب به مؤلفه‌های مشارکت و شکوفایی بیش از حد انتظار، مؤلفه همبستگی نزدیک به حد انتظار و مؤلفه‌های پذیرش و انسجام کمتر از حد انتظار توجه شده است.

جدول ۶. نتایج آزمون خی دو جهت بررسی تفاوت در توزیع مؤلفه‌های به‌زیستی اجتماعی در کتاب مدیریت خانواده و سبک زندگی دختران پایه دوازدهم

سطح معناداری	مقدار χ^2	df	(O-E)	درصد فرآوانی	فرآوانی		مؤلفه‌ها
					مورد انتظار	مشاهده شده	
Sig: 0/147	Chi-Square: 6.790 ^a	۴	-۹/۲	۷/۴۳	۵۲/۲	۴۶	انسجام
			-۲/۲	۸/۵۶	۵۲/۲	۵۳	همبستگی

پذیرش	۴۸	۵۲/۲	۷/۷۵	-۷/۲
مشارکت	۷۰	۵۲/۲	۱۱/۳	۱۴/۸
شکوفایی	۵۹	۵۲/۲	۹/۵۳	۳/۸

بحث و نتیجه گیری

هدف از پژوهش حاضر بررسی میزان برخورداری کتاب مدیریت خانواده و سبک زندگی دختران پایه دوازدهم دوره دوم متوسطه از مؤلفه‌های به‌زیستی اجتماعی از دیدگاه کیز بود. براساس داده‌های موجود در جدول شماره ۱، مشاهده شد که ضریب درگیری دانش‌آموزان با متن کتاب $ISE=0/67$ است؛ بنابراین ضریب درگیری عددی بزرگ‌تر از $0/5$ است و می‌توان استنباط کرد که بیش از ۲۵ درصد واحدهای تحلیل، به‌زیستی اجتماعی را مد نظر قرار داده‌اند. از این رو $40/2$ درصد از مفاهیم ارائه‌شده در متن کتاب مدیریت خانواده و سبک زندگی مبین مؤلفه‌های به‌زیستی اجتماعی، و ضریب درگیری متن کتاب یادشده در زمینه مؤلفه‌های به‌زیستی اجتماعی در حد متوسط و نسبتاً مطلوب است. براساس داده‌های موجود در جدول شماره ۲، مشاهده می‌شود که ضریب درگیری دانش‌آموزان با پرسش‌های کتاب $ISE=1/07$ است؛ بنابراین ضریب درگیری عددی بزرگ‌تر از ۱ است و می‌توان استنباط کرد که بیش از ۵۰ درصد واحدهای تحلیل به، به‌زیستی اجتماعی پرداخته‌اند؛ از این رو $51/77$ درصد از مفاهیم ارائه‌شده در پرسش‌های کتاب مدیریت خانواده و سبک زندگی مبین مؤلفه‌های به‌زیستی اجتماعی، و ضریب درگیری پرسش‌های کتاب یادشده در زمینه مؤلفه‌های به‌زیستی اجتماعی در حد زیاد و مطلوب است.

براساس داده‌های جدول شماره ۳ می‌بینیم که ضریب درگیری دانش‌آموزان با تصاویر کتاب $ISE=1/09$ است؛ بنابراین ضریب درگیری عددی بزرگ‌تر از ۱ است و می‌توان استنباط کرد که بیش از ۵۰ درصد واحدهای تحلیل به به‌زیستی اجتماعی پرداخته‌اند. از این رو $52/22$ درصد از مفاهیم ارائه‌شده در تصاویر کتاب مدیریت خانواده و سبک زندگی مبین مؤلفه‌های به‌زیستی اجتماعی، و ضریب درگیری تصاویر کتاب یادشده در زمینه مؤلفه‌های به‌زیستی اجتماعی در حد زیاد و مطلوب است. با توجه به اطلاعات موجود در جدول شماره ۴ می‌بینیم که ضریب درگیری دانش‌آموزان با محتوای کتاب $ISE=0/8$ است؛ بنابراین ضریب درگیری عددی بزرگ‌تر از $0/5$ است و می‌توان استنباط کرد که بیش از ۲۵ درصد واحدهای تحلیل به به‌زیستی اجتماعی پرداخته‌اند. از این رو $44/58$ درصد از مفاهیم ارائه‌شده در محتوای کتاب مدیریت خانواده و سبک زندگی مبین مؤلفه‌های به‌زیستی اجتماعی، و ضریب درگیری محتوای کتاب یادشده در زمینه مؤلفه‌های به‌زیستی اجتماعی در حد متوسط و نسبتاً مطلوب است.

براساس داده‌های جدول شماره ۵، مشاهده می‌شود که 276 واحد تحلیل ($44/58$ درصد) در کتاب مدیریت خانواده و سبک زندگی دختران پایه دوازدهم دوره دوم متوسطه به مؤلفه‌های به‌زیستی

اجتماعی پرداخته‌اند که در این میان مؤلفه مشارکت با $11/3$ درصد، بیشترین فراوانی و مؤلفه انسجام با $7/43$ درصد، کمترین فراوانی را در مؤلفه‌های به‌زیستی اجتماعی به خود اختصاص داده‌اند. از داده‌های موجود در جدول شماره ۶ می‌توان دریافت که به مؤلفه‌های مشارکت و شکوفایی بیش از حد انتظار، مؤلفه همبستگی نزدیک به حد انتظار و مؤلفه‌های پذیرش و انسجام کمتر از حد انتظار توجه شده و با توجه به اینکه مقدار sig به‌دست آمده از مقدار $0/05$ بیشتر است، می‌توان گفت فرض صفر تأیید می‌شود و بین مؤلفه‌های به‌زیستی اجتماعی در سطح $0/147$ تفاوت معناداری وجود ندارد (Sig: $0/147$ ، 6.790^a Chi-Square).

از این رو مشخص می‌شود که در اهداف مد نظر نظام آموزشی و برنامه‌های درسی مدارس، در حد مطلوب به مؤلفه‌های آموزش به‌زیستی اجتماعی پرداخته نشده است. از طرفی با آگاهی از اهمیت به‌زیستی اجتماعی مشخص می‌شود که ضرورت پرداختن به آن در جهان امروزی دوچندان است و در سال‌های اخیر بسیاری از برنامه‌های درسی مدارس جهان پرداختن به مؤلفه‌های آن را محور برنامه‌های درسی مدارس خود قرار داده، در تلاش‌اند تا با پرداختن و توجه به به‌زیستی اجتماعی زمینه‌های لازم برای تحقق آن را در فراگیران ایجاد کنند.

از این رو می‌توان نتیجه گرفت که میزان توجه کتاب مدیریت خانواده و سبک زندگی دختران پایه دوازدهم به مؤلفه‌های به‌زیستی اجتماعی به یک میزان نیست؛ به‌صورتی که مؤلفه‌های مشارکت و شکوفایی دارای بیشترین فراوانی و مؤلفه‌های انسجام، همبستگی و پذیرش دارای کمترین فراوانی هستند؛ پس در این کتاب مؤلفه‌های به‌زیستی اجتماعی به‌صورت یکسان مورد توجه قرار نگرفته و به بعضی از مؤلفه‌ها بیشتر و به برخی کمتر پرداخته شده است.

با توجه به آنچه بیان شد، مشخص است که مدارس نقش مهمی در بهبود و افزایش به‌زیستی اجتماعی دانش‌آموزان ایفا می‌کنند و می‌توانند یک محیط امن و حمایتی برای توسعه مهارت‌های زندگی و انعطاف‌پذیری فراهم کنند. همچنین پرورش روابط سالم با همسالان، معلمان و کارکنان مدرسه برای ایجاد تجارب مثبت و توسعه‌شناختی، اجتماعی و عاطفی آنها حائز اهمیت است. در این زمینه به‌زیستی اجتماعی فرصت‌های مناسبی جهت دستیابی به این مهم فراهم می‌کند. حال با در نظر گرفتن جنبه‌های مثبت و کاربردی به‌زیستی اجتماعی در زمینه به‌سازی جامعه و ارتقاء کیفیت زندگی افراد از سوی مدرسه و با توجه به متمرکز بودن نظام آموزش و پرورش کشورمان و همچنین توجه به وضعیت حال جامعه، باید گفت که داشتن نوعی رویکرد به به‌زیستی اجتماعی برای نظام آموزشی ما لازم است؛ اگرچه برنامه‌های درسی موجود، آن‌چنان که باید به این موضوع توجه نکرده‌اند، به‌کارگیری این رویکرد در مدارس نیازمند پیوند میان مفاهیم مد نظر، حول محور مفاهیمی است که از ظرفیت‌های لازم برای لحاظ کردن آنها برخوردار باشد. توجه به ارزش‌های بنیادین، مانند رفاه عمومی، شناخت خود و دنیای پیرامون، تأمین نیازهای امنیتی و بهداشتی، عدالت و آزادی، توجه به نیازها و ارزش‌های انسانی و غیره می‌تواند یک چهارچوب نظری ایجاد و تأیید کند که بخش بزرگی از این

ارزش‌ها و جایگزینی آنها با مشکلات موجود، رسالت آموزش و پرورش است تا ضمن آگاهی به افراد در سطح کلی جامعه و مدارس، توان آنها را برای ساختن جامعه‌ای بهتر فراهم کند؛ بنابراین داشتن رویکرد و الگویی از نظام آموزشی که به‌زیستی اجتماعی را در دستور کار قرار دهد و فراهم‌سازی امکانات بیشتر برای نیروهای آموزشی، امری لازم برای تغییر شرایط به‌منظور بالابردن کیفیت زندگی فراگیران است، تغییری که در آن ملاک‌ها و معیارها، روش‌های تدریس، محتوا و هرآنچه که نامناسب بوده، حذف شده و موارد مناسب‌تری انتخاب و جایگزین آنها شود.

با توجه به یافته‌های پژوهش حاضر، بازنگری کتاب‌های درسی در زمینه پرداختن به مؤلفه‌های به‌زیستی اجتماعی ضرورتی انکارناپذیر است و از آنجا که دانش‌آموزان امروز کارگزاران آینده جامعه هستند و آموزش به‌زیستی اجتماعی یکی از مسائل اساسی در حوزه تعلیم و تربیت می‌باشد، لازم است جامعه آموزشی از نقش خود در قبال هدایت نسل جدید، برای حل مشکلات جهان امروزی آگاه شود؛ بنابراین به‌منظور آموزش به‌زیستی اجتماعی به کودکان، نوجوانان و جوانان در فرایند جهانی شدن، برنامه‌های درسی مدارس، باید به به‌زیستی اجتماعی توجه کنند و با فراهم کردن بستر و زمینه‌های لازم، این مهم را تحقق بخشند و به بازسازی اساسی روابط فردی و میان‌فردی همت گمارند. همچنین در راستای رسیدن به این مهم، باید دانست که ترویج و گسترش به‌زیستی اجتماعی فرآیندی مداوم و طولانی و در این مسیر تربیت انسان‌ها از طریق آموزش و پرورش بهترین و امیدوارکننده‌ترین راه است. از این‌رو توجه به مؤلفه‌های مختلف به‌زیستی اجتماعی در برنامه درسی مدارس، موجبات گسست و فقر فرهنگی و اجتماعی را فراهم می‌آورد.

با توجه به مطالب گفته‌شده، نظام آموزشی نباید تابع تغییرات باشد، بلکه باید مؤثر در هدایت و ایجاد آنها بوده، با آشناکردن دانش‌آموزان با به‌زیستی اجتماعی و تأثیر آن بر کیفیت زندگی، شهروندانی اجتماعی، فعال، فکور، منتقد، خلاق و تأثیرگذار تربیت کند و این امر میسر نمی‌شود، مگر با نقش‌آفرینی آموزش و پرورش که ظرفیت و اراده لازم برای اجرای یک برنامه به‌زیستی اجتماعی در راستای فراهم کردن شرایط و ملزومات مورد اشاره را داشته باشد و روشن است که چنین نظامی برای موفقیت نیازمند به‌روزرسانی و توجه به تغییرات و ملزومات خواهد بود که این امر، همت بیشتری را از سوی برنامه‌ریزان و مؤلفان کتاب‌های درسی و عالمان و عاملان آموزشی می‌طلبد.

یافته‌های پژوهش حاضر نشان می‌دهد که محتوای کتاب مدیریت خانواده و سبک زندگی دختران پایه دوازدهم دوره دوم متوسطه براساس الگوی مشخصی در زمینه به‌زیستی اجتماعی تدوین نشده است؛ بنابراین به برنامه‌ریزان درسی توصیه می‌شود ساختار کتاب مدیریت خانواده و سبک زندگی دختران پایه دوازدهم دوره دوم متوسطه را با استناد به الگوهای به‌زیستی اجتماعی، از جمله الگوی کیز، سازمان‌دهی کنند. همچنین فعالان حوزه آموزش و پرورش می‌توانند به کمک آموزش‌های ضمن خدمت، اهمیت توجه به مفاهیم مرتبط با به‌زیستی اجتماعی و مؤلفه‌های آن را برای معلمان و سایر عوامل مدرسه تشریح کنند تا آنها در فرصت‌ها و مناسبت‌های گوناگون برای دانش‌آموزان، موضوع

به‌زیستی اجتماعی را بیان کنند؛ علاوه بر موارد ذکر شده به پژوهشگران توصیه می‌شود به تدوین یک برنامه درسی جهت آموزش به‌زیستی اجتماعی در مدارس بپردازند و محتوای دیگر کتاب‌های درسی را از دیدگاه الگوی به‌زیستی اجتماعی کیز ارزیابی کنند.

فهرست منابع

- [۱] افشانی؛ علیرضا و شیرین محمدآباد؛ حمیده (۱۳۹۵). «بررسی رابطه رضایت از زندگی و سلامت اجتماعی زنان شهر یزد»، *دوماهنامه طلوع بهداشت*، ۱۵ (۲)، صص ۳۴-۴۴.
- [۲] تیموری؛ امیر، زارع؛ محمدحسن، ساریخانی؛ محمد، سالاری؛ راحله و مصطفی (۱۳۹۲). «بررسی میزان انطباق کتاب علوم تجربی سال دوم دبستان با مؤلفه‌های خلاقیت و سطوح بالای حیطه شناختی بلوم»، *نشریه ابتکار و خلاقیت در علوم انسانی*، ۳ (۳)، صص ۱۶۱-۱۸۶.
- [۳] باباپور، خیرالدین؛ جلیل، طوسی؛ فهیمه و حکمتی؛ عیسی (۱۳۸۸). «بررسی نقش عوامل تعیین‌کننده در سلامت اجتماعی دانشجویان دانشگاه تبریز»، *فصلنامه پژوهش‌های نوین روانشناختی*، ۴ (۱۶)، صص ۱-۱۹.
- [۴] بخارایی؛ احمد، شربتیان؛ محمدحسن و طوافی؛ پویا (۱۳۹۴). «مطالعه جامعه‌شناختی رابطه نشاط با سلامت اجتماعی جوانان ۱۸ تا ۳۰ سال شهرستان ملایر»، *فصلنامه برنامه‌ریزی رفاه و توسعه اجتماعی*، ۷ (۲۵)، صص ۱-۳۹.
- [۵] رضایی؛ امید و نوغانی‌دخت بهمنی؛ محسن (۱۳۹۶). «به‌زیستی اجتماعی دانشجویان و عوامل مؤثر بر آن»، *دوفصلنامه علوم اجتماعی*، ۱۴ (۲)، صص ۳۱-۵۶.
- [۶] زکی؛ محمدعلی و خشوعی؛ مریم‌السادات (۱۳۹۲). «سلامت اجتماعی و عوامل مؤثر بر آن در بین شهروندان شهر اصفهان»، *فصلنامه مطالعات جامعه‌شناختی شهری*، ۳ (۸)، صص ۷۹-۱۰۸.
- [۷] سام آرام؛ عزت‌الله (۱۳۸۸). «بررسی سلامت اجتماعی و امنیت اجتماعی با تأکید بر رهیافت پلیس جامعه‌محور»، *فصلنامه انتظام اجتماعی*، ۱ (۱)، صص ۹-۲۹.
- [۸] سفیری؛ خدیجه و صادقی راوندی؛ فاطمه (۱۳۹۳). «تبیین رابطه هویت جنسیتی و سلامت اجتماعی زنان و مردان شهر تهران»، *مجله جامعه‌شناسی کاربردی*، ۲۰ (۵۳)، صص ۵۱-۷۰.
- [۹] شربتیان؛ محمدحسین و عرفانیان قصاب؛ المیرا (۱۳۹۷). «تأثیر سرمایه اجتماعی بر به‌زیستی اجتماعی به واسطه نقش میانجی کیفیت زندگی و رضایت از زندگی (مطالعه موردی: جوانان ۱۸ تا ۳۰ ساله شهرستان قاین)»، *فصلنامه توسعه اجتماعی (توسعه انسانی سابق)*، ۱۳ (۱)، صص ۱۹۵-۲۲۷.
- [۱۰] -----؛ ----- و ایمنی؛ نفیسه (۱۳۹۵). «تحلیل جامعه‌شناختی سلامت اجتماعی جوانان و عوامل مؤثر بر آن (مطالعه موردی: جوانان ۱۸ تا ۳۰ سال در شهرستان قاین)»، *فصلنامه جامعه‌شناسی کاربردی*، ۲۹ (۶۹)، صص ۱۶۷-۱۸۸.
- [۱۱] -----؛ ----- و طوافی؛ پویا (۱۳۹۵). «مطالعه جامعه‌شناختی شاخص‌های احساس به‌زیستی اجتماعی شهروندان شهر مشهد»، *فصلنامه مطالعات فرهنگی-اجتماعی خراسان*، ۱۰ (۴)، صص ۱۱۶-۱۳۷.
- [۱۲] شریفیان ثانی؛ مریم و زنجری؛ نسیم (۱۳۹۲). «به‌زیستن به عنوان مفهومی چندبعدی، واکاوی مفاهیم و تعاریف»، *فصلنامه رفاه اجتماعی*، ۱۴ (۵۲)، صص ۶۵-۹۱.

- [۱۳] عباسی؛ مسلم (۱۳۹۴). «مقایسه به‌زیستی اجتماعی و اضطراب اجتماعی در دانش‌آموزان با و بدون ناتوانی یادگیری خاص». *فصلنامه ناتوانی‌های یادگیری*، ۵ (۲)، صص ۷۴-۹۱.
- [۱۴] عباسی؛ مسلم، اعیادی؛ نادر، شفیعی؛ هادی و پیرانی؛ ذبیح (۱۳۹۴). «نقش به‌زیستی اجتماعی و سرزندگی تحصیلی در پیش‌بینی اشتیاق تحصیلی دانشجویان پرستاری». *دوماهنامه راهبردهای آموزش در علوم پزشکی*، ۹ (۱)، صص ۵۴-۵۰.
- [۱۵] عبدالله‌تبار؛ هادی کلدی؛ علیرضا؛ محقق‌کمال، حسین؛ ستاره‌فروزان؛ و صالحی مسعود؛ آمنه (۱۳۸۷). «بررسی سلامت اجتماعی دانشجویان». *فصلنامه رفاه اجتماعی*، ۸ (۳۰ و ۳۱)، صص ۱۷۱-۱۸۹.
- [۱۶] قراملکی؛ ناصر، پورعبدل؛ سعید و سجادپور؛ حامد (۱۳۹۷). «اثربخشی آموزش مهارت‌های اجتماعی بر بهبود به‌زیستی اجتماعی دانش‌آموزان زورگو». *فصلنامه روش‌ها و مدل‌های روان‌شناختی*، ۹ (۳۴)، صص ۱-۱۵.
- [17] Blanco, A. & Díaz, D (2007). "Social order and mental health: A social wellbeing approach". *Psychology in Spain*, 11 (1), 61-71.
- [18] Cicognani, E., Pirini, C., Keyes, C., Joshanloo, M., Rostami, R., & Nosratabadi, M (2008). "Social participation, sense of community and social wellbeing: A study on American, Italian and Iranian university students". *Social Indicators Research*, 89 (1), 97-112
- [19] Fujisawa, Y. Hamano, T. Takegawa, S (2009) "Social Capital and Perceived Health in Japan: An Ecological and Multilevel Analysis". *Jornal of Social Science Medicine*, 69 (4), 500-505.
- [20] Haas, S.A., Schaefer, D.R., & Kornienko, O (2010). "Health and the Structure of Adolescent Social Networks". *Journal of Health and Social Behavior*, 51 (4), 424-439.
- [21] Keyes, C.L.M (2004). "The nexus of cardiovascular disease and depression revisited: The complete mental health perspective and the moderating role of age and gender". *Journal of Aging and Mental Health*, 8 (3), 266-274.
- [22] Keyes, C.L.M., & Shapiro, A. D (2004). "Social well-being in the United States: A descriptive epidemiology". *How healthy are we*, 350-372.
- [23] Keyes, C.L.M (1998). "Social Wellbeing", *Social Psychology Quarterly*, 2 (8), 121-140.
- [24] Krok, D (2015). "The mediating role of optimism in the relations between sense of coherence, subjective and psychological wellbeing among late adolescents". *Personality and Individual Differences*, 85 ,134-139.
- [25] Marks, D. F., Murray, M., Evans, B., & Estacio E.V (2000). *Health Psychology: theory, research and practice*. London. SAGE Publications.
- [26] Romey, Wiliyam (1968). *Inquiry techniquis for teaching Science*. London: Prentice Hall.
- [27] Ryff, C.D (2013). "Psychological well-being revisited Advances in the science and practice of eudemonia". *Psychotherapy and psychosomatics*, 83 (1), 10-28.
- [28] Sarracino, F (2010). "Social capital and subjective wellbeing trends: Comparing 11 western European, countries". *Journal of Socio Economics, Elsevier*, 39 (4), 482-517.
- [29] Telef, B. B. & Ergun, E (2013). "Self-efficacy as a predictor of high school students' subjective wellbeing". *Kuramsal Egitimilim Dergisi*, 6 (3), 423-433.
- [30] Yamaoka, K (2008). "Social capital and health and well-being in East Asia: a population-based study". *Journal Social Science & Medicine*, 66 (4), 885-899.